

- عنوان و نام پدیدآور : حق بر دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری (تاکید بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)/ مترجم سید حسن هاشمی.
- مشخصات نشر : بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی (بیرجند)، ۱۳۸۸.
- مشخصات ظاهری : ۱. ج بدون شماره‌گذاری.
- شابک : 964-96061-9-X
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : عنوان اصلی. The right to a fair trial in states of emergencies.
- موضوع : دادرسی عادلانه
- موضوع : دادگاه‌های جزایی بین‌المللی
- موضوع : آیین دادرسی
- شناسه افزوده : هاشمی، سید حسن، ۱۳۵۶
- شناسه افزوده : دانشگاه آزاد اسلامی. واحد بیرجند
- رده بندی کنگره : ۳۲۵.۱۶ ج ۷ ۱۳۸۸
- رده بندی دیویی : ۳۴۱.۷۲۸
- شماره کتاب‌شناسی : ۷۷۳۶۹۱
- ملی

- عنوان : حق بر دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری (با تأکید بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)
- مترجم : دکتر سید حسن هاشمی
- ناشر : دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند
- نوبت و سال : اول، پائیز ۱۳۸۹
- چاپ : چاپ و نشر گلرو
- قطع و : وزیری ۲۰۰۰ نسخه
- شمارگان
- شابک : 964-96061-9-X
- قیمت : ۵۰۰۰ ریال

حق چاپ و کلیه حقوق برای مترجم محفوظ است

حق برادری منصفانه در شرایط اضطراری

(با تأکید بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)

مترجم:

دکتر سید حسن هاشمی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
روش شناسی.....	۳
طرح بحث: تاکید بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۶
فصل اول: ارتباط بین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، درگیری مسلحانه،	
وضعیت اضطراری و مبارزه با تروریسم.....	۹
الف- آیا ساختار موجود حقوق بین‌المللی کافی است؟.....	۹
۱- آزادی‌های فردی و امنیت ملی.....	۱۱
۲- چگونگی شناخت تروریسم در عبارات قانونی.....	۱۲
۳- چرا اصل عدم تناقض برای شناخت جنبه‌های غیرقابل عدول دادرسی منصفانه در	
وضعیت‌های اضطراری مبهم بکار نمی‌رود؟.....	۱۳
ب- نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری.....	۱۵
۱- نظریه مشورتی در مورد مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای.....	۱۵
۲- نظریه مشورتی در ارتباط با پیامد قضایی ساخت دیوار حایل در سرزمین فلسطین	
اشغالی.....	۱۷
ج- گزارشات ارگان‌های حقوق بشری منطقه‌ای و سازمان ملل متحد.....	۱۹
۱- قضیه ژان کارلاس ابلا علیه آرژانتین، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر.....	۱۹
۲- قضیه بانکویچ و دیگران علیه کشور بلژیک و شانزده کشور دیگر طرف قرارداد.....	۲۰
۳- گزارش مأموریت در لبنان در سال ۲۰۰۶ (شورای حقوق بشر).....	۲۱
فصل دوم: معیارهای معتبر عدول از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۲۳
الف - وجود وضعیت اضطراری (اصل استثنایی بودن).....	۲۵
ب- اطلاع رسانی رسمی (اصل علنی بودن).....	۲۸
ج - اصل ضرورت و تناسب.....	۲۸
د - اصل عدم تناقض.....	۲۹
ه- اصل عدم تبعیض.....	۳۲
و- حقوق غیرقابل عدول: ماده (۲) ۴ میثاق.....	۳۲
ز- شرایط شکلی: اصل اطلاع رسانی.....	۳۳

فصل سوم: جنبه‌های غیرقابل عدول از حقوق دادرسی منصفانه	۴۱
الف-تاریخچه تدوین ماده ۴میثاق و در نظر گرفتن ماده ۱۴ به عنوان ضابطه‌ی غیرقابل عدول	۴۲
ب- چرا برخی از ضوابط دادرسی منصفانه باید غیر قابل عدول و انصراف باشند؟	۴۳
ج-شناسایی جنبه‌های غیرقابل عدول ماده ۱۴ به کمک اصل عدم تناقض	۴۸
۱-تاریخچه تدوین اصل عدم تناقض	۵۰
۲- منابع سایر تعهدات کشورها به موجب حقوق بین‌الملل چیست؟	۵۱
۳- تهیه فهرستی از جنبه‌های غیر قابل عدول ماده ۱۴	۵۶
۱.۳- ماهیت دادگاه : دادرسی توسط دادگاه مستقل، بی طرف و قانونی	۵۶
۲.۳- حقوق لازم‌الاجرا	۶۰
۳.۳- آئین دادرسی قضایی	۶۱
۱.۳.۳- آیا آئین دادرسی باید علنی باشد؟	۶۲
۲.۳.۳- آگاهی یافتن سریع از اتهامات	۶۳
۳.۳.۳- حق برخورداری از مشاوره و معاضدت قضایی و ارتباط بین متهم و وکیل مدافع وی	۶۴
۴.۳.۳- کلیه وسایل و حقوق ضروری دفاعی متهم و حق بازجویی متقابل از شهود ...	۶۸
۵.۳.۳- حضوری بودن محاکمه	۷۲
۶.۳.۳- قرص برائت (اصل برائت)	۷۳
۷.۳.۳- حق اجبار نشدن برای شهادت علیه خود یا اقرار به مجرمیت	۷۴
۸.۳.۳- رعایت سرعت لازم در روند دادرسی (بازداشت اداری و دادرسی منصفانه)	۷۵
۹.۳.۳- حق بهره‌مندی از مترجم	۷۷
۱۰.۳.۳- حق جبران خسارات ناشی از عدم اجرای عدالت و آگاهی از محدودیت‌های زمانی در مورد محکومیت	۷۸
۱۱.۳.۳- منع دو تعقیب قانونی برای یک جرم (منع محاکمه یا مجازات مجدد)	۷۹
مقررات حقوق بشر در مورد درگیری‌های مسلحانه	۸۰
تضمینات قضایی غیرقابل عدول	۸۱
هزینه و خسارات ناشی از عدم توجه به حقوق بین‌الملل	۸۴
قانون کمیسیون‌های نظامی آمریکا	۸۶

۸۸	چالش‌های پیش روی سیستم حقوق بشر بین‌المللی
۹۱	پیوست ۱: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۱۱۱	پیوست ۲: کتابشناسی
۱۲۳	پیوست ۳: ضمائم
۱۲۹	پیوست ۴: فهرست علائم

www.ketab.ir

مقدمه

اغلب کشورها حداقلی از محدوده حقوقی دادرسی منصفانه را آزادانه پذیرفته‌اند. برخی از جنبه‌های دادرسی منصفانه باید در کلیه شرایط و برخوردها و درگیری‌های مسلحانه داخلی یا بین‌المللی و نیز در سایر موقعیت‌های اضطراری فراهم شوند. در این کتاب این جنبه‌های غیر قابل عدول حق در یک دادرسی منصفانه شناسایی گردیده و موضوع آن با نگرش به استدلال‌های مربوط به مبارزه تروریسم مورد بررسی قرار گرفت.^۱ استدلال‌هایی که معتقدند هیچ استاندارد قضایی مخصوص برای بعضی از افراد در محدوده مبهم اضطراری قابل اجراء نیست، در این تحقیق رد شده و در ضمن آن گفته شده است که می‌توان جنبه‌هایی از ضوابط دادرسی منصفانه را در بحث حقوق مدنی و سیاسی شناسایی کرد.

این رویکرد به شرح زیر بیان شده است: اولاً چون حقوق بشر کماکان در اوقات و در زمان‌هایی از درگیری‌های مسلحانه و در کلیه مراحل اضطراری اجراء می‌شود، لذا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تنها سند یا وسیله حقوقی در تأمین معیارهای غیر قابل عدول می‌باشد. ثانیاً در مورد معیار قابل عدول، اصل مستحکمی است که هیچ یک از اقدامات قابل عدول نیایستی متناقض با سایر تعهدات کشور، بر اساس حقوق بین‌الملل باشد. ثالثاً با شناخت سایر تعهدات عرفی که بر دوش همه کشورها است می‌توان لیستی از جنبه‌هایی از دادرسی منصفانه را تنظیم نمود که هیچ عدولی از آن جایز نمی‌باشد. استدلال بر اساس این ایده است که تضمین‌های غیر قابل عدول در هر دو نوع درگیری مسلحانه (بدترین شرایط اضطراری) باید در کلیه شرایط اضطراری نیز غیر قابل عدول محسوب شوند.

^۱ - I employ the term "war on terror" to designate the current strategies, activities and doctrines employed to counter terrorism. I do however vehemently reject the idea that all counter-terrorist measures automatically take place in the framework of armed conflict in the legal sense.

این استانداردهای بشردوستانه غیر قابل عدول در هر دو نوع درگیری مسلحانه نیز بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی می‌باشند. با تجزیه و تحلیل این مطلب که کدام جنبه یا جنبه‌ها از محاکمه منصفانه بخشی از حقوق بین‌المللی هستند، لازم است عنصرهای حداقلی از آن محاکمه را که قابل اجراء در کلیه زمان‌ها و در کلیه کشورها است، بیابیم. اگر این استدلال پذیرفته شود، در آن صورت اختلافات حقوقی فراوانی درباره شرایط هر موقعیت به عنوان درگیری مسلحانه و یا وضعیت‌های قانونی افراد بازداشت شده به جای اولش تنزل خواهد کرد. کشورهای در حال مبارزه با تروریسم باید در هر موقعیت خود، حداقل تضمین‌های قضایی غیرقابل عدول را که بخشی از حقوق عرفی است، فراهم آورند. مجموعه حاضر با توجه به زمینه‌ای از استدلال‌های حقوقی مربوط به مأموریت‌های نظامی آمریکا نوشته شده است ولی خواسته است که درباره قانون سال ۲۰۰۶ این مأموریت‌ها سخن را به درازا بکشاند. به راحتی برای ما مبرهن خواهد شد که چگونه قانون مأموریت‌های نظامی با حقوق بین‌المللی تناقض دارد. مهم‌تر اینکه، نویسنده امیدوار است نشان دهد که چگونه مباحثات درباره اوضاع حقوقی یا قانونی افراد بازداشت شده و محبوس در زندان گوانتانامو و در جای دیگر اشتباه گرفته شده و کارها به عکس در آمده است. اینکه کدام قسمت یا قسمت‌هایی از حقوق بشر و یا عهدنامه‌های بشردوستانه در دفاع از زندانیان در اتهام به جنگ تروریستی قابل اجراء خواهد بود، به طور کافی به موضوع بحث ربطی ندارد و صورت مسئله با آن عوض نمی‌شود. ولی باید به طور قطع اقرار کرد که تعداد قابل توجهی از تضمین‌های قضایی غیر قابل انکار بوده‌اند و لذا باید در کلیه شرایط برای کلیه افراد تهیه گردد. این موضوع عمداً در مباحثات و مذاکرات در پیرامون جنگ تروریستی بررسی نگردید. آیا زمان آن رسیده که ما غیر قابل عدول بودن ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی و ترذیلی را تایید کنیم و هم در همان زمان به دولت‌های خود یادآوری کنیم که از بعضی استانداردهای قضایی هرگز صرف‌نظر نکنند. بدون تعجب باید گفت که مقررات مربوط به حالات اضطراری فراتر از قانون بوده و لذا محدود کردن دولت‌ها در چهارچوب قانون در موقعیتی اضطراری، مشکل است. قانون یا قوانین مربوط به عدول ناپایدار و اغلب در گیر کننده دولت‌هایی است که تشخیص می‌دهند مشکلات خود را نمی‌توانند در چهارچوب قانون موجود حل کنند. با توجه به این امر که بسیاری از رژیم‌ها حالات اضطراری را دهه‌ها برای انجام اقدامات بزرگ و مصلحت‌آمیز به کار می‌برده‌اند، لذا کتاب حاضر بالاخص به استدلال‌هایی

پرداخته است که دولت ایالات متحده آمریکا مطرح کرده است. معنی سخن این نیست که تنها ایالات متحده باید دشمن حقوق بشر محسوب گردد و این نگرانی است که اینجانب بالصرّاحه آن را رد می‌کنم.^۱ ولی اگر قوی‌ترین کشور عضو ملل متحد و سکان دار اصیل حقوق بشر بی محابا اصول حقوقی عامه پسند را نادیده بگیرد آن وقت باید روشن شود که با چه وسایل قابل قبولی به موارد اضطراری باید رسید و چرا آن وسایل مخصوص برتر و محترمانه‌ترند. هیأت نمایندگی آمریکا در اثنای تدوین میثاق، رویا از موضوع منظور شدن کل مقررات و ضوابط اجرای محاکمه منصفانه در حقوق غیر قابل عدول دفاع و طرفداری کرد.^۲ در این جا نیز افراط نشده که پیشنهاد دهد که کشورها هیچ نکته اتکایی به اصول محاکمات قضایی در موقعیت‌های اضطراری نداشته‌اند ولی به برخی از جنبه‌های یقینی محاکمه منصفانه که اموری قطعی در حفظ نظم در محاکمه هستند اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که این نظم حافظ حقوق بشر بوده و قابل صرف‌نظر کردن نیست.

روش شناسی

مباحث این مجموعه به شرح زیر می‌باشد در فصل اول به مسئله کاربردی بودن مقررات حقوق بشر در درگیری‌های مسلحانه توجه گردید و توان کاربردی هم‌زمان مقررات حقوق بشر به عنوان تفسیر قابل قبول و قابل تایید در دیوان بین‌المللی دادگستری و در سایر ارگان‌های بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گرفته است این وضعیت که مقررات حقوق بشر در اثنای درگیری مسلحانه اجرا نمی‌گردد به وضوح رد شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در رأی مشورتی دو بار حکم داد که باید به سوال مربوط به کاربرد و اجرای مقررات حقوق بشر و یا برعکس آن پاسخ داده شود آن هم با نگرش به سیستم‌های قابل عدول. قابلیت‌های عدول در شرایط استثنایی امکان می‌دهند که دولتی بتوانند به

¹ See for instance A/HRC/6/17/Add.3, "Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms while Countering Terrorism (Mr. Martin Scheinin) - Mission to the United States of America," (2007).

² David S. Weissbrodt, *The Right to a Fair Trial Under the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights: [Articles 8, 10 and 11 of the Universal Declaration of Human Rights]* (The Hague; Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2001). Chapter 4 "Travaux préparatoires to Article 4".

طور موقت مقداری از حقوق بشر را کاهش دهد.^۱ اثر معتبر "قابل عدول" عبارت از این است که امکان دهیم که کشوری اقداماتی را در شرایطی به عمل آورد که طبق معاهده، تخلف از تعهدات باشند. به عبارت دیگر دیوان بین‌المللی دادگستری پیشنهاد کرد که مادامی که کشوری از ضوابط حقوق بشر عدول نکرده، عهدنامه حقوق بشر به طور کامل قطع نظر از وجود حالت اضطراری از جمله مبارزه مسلحانه اجراء خواهد شد.

ثانیاً در فصل دوم سیستم عدول میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به طور دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. طبق دو رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کماکان در اثنای مبارزات یا درگیری‌های مسلحانه اجرا خواهد شد (به استثنای شرایط ماده ۴ معاهده که بر اساس آن برخی از ضوابط آن معاهده بالاخص در زمان اضطرار داخلی قابل عدول خواهد بود).^۲

به عبارت دیگر سیستم‌های قابل عدول محوری بین مقررات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه است. اجرای ماده ۴ است که در اثنای آن تعیین می‌شود که آیا گریزی از مقررات حقوق بشر وجود دارد و یا نه. در فصل دوم نیز اشاراتی به مکاتبات تقدیمی به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و نیز به رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر شده است. از آنجایی که دولت ایالات متحده هیچ عدولی از میثاق را خبر نداده، لذا در فصل دوم، مبحث مفصل شرایط شکلی ماده ۴ مطرح گردیده است. مهم است که بدانیم که در فصل دوم معنی اصل ثبات یا اصل عدم تناقض مطرح شده است. اصل عدم تناقض بعداً ابزار اصلی در تشخیص این وضع شده است که کمیته حقوق بشر چگونه به شرایط اساسی دادرسی منصفانه اشاره می‌کند که نمی‌توان هرگز از آن صرف‌نظر نمود.^۳ در حالی که کلیه عهدنامه‌های حقوق بشر عدول از اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری را^۴

^۱ Susan Marks and Andrew Clapham, International Human Rights Lexicon (Oxford; New York: Oxford University Press, 2005), p. 351.

^۲ Legality of the Threat or use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996, p. 226, para. 24.

^۳ General Comment 29, States of Emergency (Article 4), U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.11 (2001), Reprinted in Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.6 at 186 (2003), para 16.

^۴ Susan Marks and Andrew Clapham, International Human Rights Lexicon (Oxford; New York: Oxford University Press, 2005), p. 157.

اجازه نمی‌دهند ولی به خودی خود مشخص نمی‌کنند که کدامیک از عناصر دیگر یک دادرسی منصفانه نمی‌توانند مورد عدول واقع شوند.^۱

در فصل سوم همین تجزیه و تحلیل از استانداردهای دادرسی عادلانه (طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) مورد بحث قرار گرفته است. ماده ۱۴ جزء ضوابط غیر قابل عدول ذکر نشده و مع ذلک به طور قطع غیر قابل عدول می‌باشد. در زمان تدوین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کشورها بالصراحه اظهار تمایل کردند که می‌توانند از حق یک دادرسی منصفانه انصراف حاصل کنند. ذکر این نکته که تمامیت ماده ۱۴ غیر قابل عدول است عملکرد قضایی غیرمجاز و تجاوز به حق کشورهای طرف قرارداد برای "حمایت از حیات ملی در اضطرار شدید" را محدود می‌کند. ولی به رسمیت شناختن این موضوع که ماده ۱۴ اصولاً قابل عدول است به این معنی نیست که کشورها می‌توانند از حق دادرسی منصفانه طبق صلاح دید خود صرف‌نظر کنند. بالاخص هیچ عدولی که طبق حقوق بین‌المللی با سایر تعهدات^۲ المات تناقض داشته باشد معتبر نیست.^۳ مهم‌ترین الزامات غیر قابل عدول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی قراردادی و عرفی است.

اجرای حقوق عرفی برای کلیه کشورها لازم‌الاتباع بوده و هیچ عدولی اعتبار نخواهد داشت اگر برای صرف‌نظر کردن از این حقوق حداقل باشد، حتی در شرایطی که حقوق معاهدات در کنوانسیون‌های ژنو و یا پروتکل‌های اضافی آن‌ها بکار نرود. اگر حالت اضطراری در حد آستانه‌های قانونی نزاع مسلحانه نباشد، باز کشوری که این نزاع در آن رخ داده کماکان تحت ضابطه حداقل تضمین‌های حقوق عرفی می‌باشد. این اسنادلال بر اساس این ایده است که دلیلی ندارد که چرا دولتی باید مجاز باشد که اقدامات اساسی تر برای حالات اضطراری (نه در حد نزاع مسلحانه) به عمل آورد. در کلیه انواع حالات اضطراری نابرابر با مخاصمات مسلحانه باید استانداردها را در نظر گرفت. در فصل سوم مجموعه حاضر مدلل شده است که مجموع مواد ویژه دادرسی منصفانه در دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو پایه ای منطقی در ارزیابی حداقل عرفی میزان یک دادرسی منصفانه است. این دو پروتکل در سال ۱۹۷۷ پذیرفته شدند. پروتکل اول (APÍ) به

¹ This is explicit in American Convention. See American Convention on Human Rights, Article 27(2).

² International Covenant on Civil and Political Rights, G.A. Res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (no. 16) at 52, U.N. Doc. A/6316 (1966), 999 U.N.T.S. 171, Entered into Force Mar. 23, 1976, Article 4(1).

مخاصات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل دوم (APII) به حمایت از قربانیان مخاصات داخلی مربوط است. دو ماده مربوطه که در بحث راجع به تضمین‌های قضایی است، مقایسه‌گردیده است. توضیح این که ماده (۴) ۷۵ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو و ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی مورد مقایسه قرار گرفتند. معیارها یا استانداردهای قضایی متداول در هر دو پروتکل در هر دو نوع نزاع مسلحانه قابل اجرا می‌باشند. بجای وارد شدن در بحث داغ ارتباط بین اجماع حقوقدان‌ها و عملکرد کشور در رابطه با ایجاد حقوق بین‌المللی عرفی در عرصه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، از تحقیق مفصل در زمینه حقوق بشر دوستانه بین‌المللی استفاده گردیده است. این حقوق اخیراً توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به اجرا در آمد.^۱ با تجزیه و تحلیل نوع معیارهای قضایی مشترک بین هر دو نوع نزاع مسلحانه، هر کدام از جنبه‌های غیرقابل عدول دادرسی منصفانه مورد بحث قرار گرفته و در بخش سوم از فصل سوم تفسیر شدند. لذا رعایت این تشریفات قانونی در جنگ با تروریسم برای اینکه کلیه افراد متهم تحت کنترل دولت باشند اعمال می‌گردد.^۲

طرح بحث: تاکید بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

محور این کتاب بر بحث درباره حقوق مدنی و سیاسی است که یکی از معاهدات مربوط به حقوق اساسی بین‌المللی شمرده می‌شود. این عهدنامه توسط اکثریت غالب کشورها تصویب گردید.^۳ در حالی که ادبیات و مطبوعات اخیر در مورد حقوق بشر به طور فزاینده‌ای بر اهمیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاکید کردند.^۴ محور بحث این

^۱ Jean-Marie Henckaerts, Louise Doswald-Beck and International Committee of the Red Cross. Customary International Humanitarian Law. Volume I, Rules (Cambridge: Cambridge University Press, 2007). And Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, Customary International Humanitarian Law. Vol. 2, Part 2 Practice. (Cambridge: Cambridge University Press, 2003).

^۲ This includes those detained extra-territorially if under effective control of a state.

^۳ Office of the High Commissioner for Human Rights, "Status of Ratification of the International Covenant on Civil and Political Rights," <http://www2.ohchr.org/english/hodics/ratification/4.htm> (accessed March 31, 2008).

^۴ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Adopted by General Assembly Resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, Entry into Force 3 January 1976.

مجموعه برخلاف نشریات اخیر، درباره حق دادرسی منصفانه از دیدگاه مؤلف در خصوص اجرای عدالت در زمان بحران تروریسم جهانی و نضج گرفتن جو ترس و وحشت می‌باشد. تا این تاریخ این مجموعه از موضوع کلاسیک و شگفت‌انگیز حقوق بشر و رابطه مستقیم بین کشورها و افراد بحث کرده است ولی از این به بعد می‌خواهد درباره مقررات یا ضابطه دادرسی منصفانه مذکور در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی فوق‌الذکر صحبت کند که بر اساس اهمیت آشکار، نه تنها برخورداری از اکثر حقوق انسانی دیگر هم بر این اساس است بلکه در میان ضوابط غیر قابل عدول ماده (۲) ۴ معاهده، هم نیامده است. و لذا لازم است دقیقاً بررسی شود که کدام جنبه به طور حداقل باید در زمان بحران و اضطراب به اجراء در آید. از یک سو برخی مدلل می‌نمایند که اگر ماده قانونی لازم در لیست مواد غیر قابل نقض ذکر نشود، کشورها آزانه انتخاب خواهند کرد که به چه میزان از شروط عهدنامه سرباز زنند. دولت آمریکا ثابت کرد که حتی لازم نیست که از ماده ۱۴ واقعاً انصراف حاصل کنیم ولی مدلل ساخت که کل عهدنامه در زمان‌های جنگ و درگیری لازم الاتباع نیست. این وضعیت آشکارا با رویه دادگاه‌های جهانی و سایر دادگاه‌ها تناقض دارد. از سوی دیگر می‌توان مدلل کرد که هیچ عدولی به هیچ وجه نباید از ماده ۱۴ مجاز دانسته شود. بدون شگفتی باید گفت که اکثر کشورها می‌گویند بدون توجه به شرایط اضطراری امکان چنین امری وجود ندارد. با وجودی که واقعیات گریزناپذیر در موقعیت‌های اضطراری را نمی‌توان نادیده گرفت ولی دلایلی که اشعار می‌دارد که آئین دادرسی عادی تحقیقات و تعقیبات کیفری ناکافی است و در دادگاه‌های عادی از این به بعد به عنوان آئین دادرسی منحصر به فرد در اعاده صلح و نظم محسوب نمی‌شوند.^۱ موضوعاتی هستند که توجه زیادی را در زمینه جنگ علیه تروریسم به خود جلب کرده‌اند.

لازم به ذکر است که با شناسایی حداقل معیارهای قضایی، اینجانب در صدد نیستم که بگویم که کشورها می‌توانند به خودی خود مدعی شوند که فقط به این حداقل استانداردها پای بندی دارند. فی‌المثل مقامات رسمی آمریکا پس از حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ مدعی نشده بودند که از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی که در نزد همه محترم است عدول کرده‌اند. قانون مأموریت‌های نظامی سال ۲۰۰۶ آمریکا باید

^۱ Arguments of the respondent governments in *Lawless v. Ireland*, *Lawless v. Ireland*, discussed in Stephanos Stavros, "The Right to a Fair Trial in Emergency Situations," *The International and Comparative Law Quarterly* 41, no. 2 (Apr., 1992), p. 345.

مجری همین استانداردها یا معیارهای بالاتر حقوقی باشد. ولی در این مجموعه نه تنها نشان داده شده است که حتی حداقل میزان عدول از معاهده مذکور انجام نشده است بلکه آمریکا آن را تماماً نقض کرده است. افزون بر آن باید گفته شود که از دومین میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و اجتماعی درباره دادرسی منصفانه سخن به میان نیامده است. در ماده ۱۵ میثاق عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری منع شده و طبق میثاق مذکور صراحتاً غیرقابل عدول فرض شده است.^۱ و این موضوع غیر جنجال بر انگیز بوده و لازم نیست که در اینجا توضیح بیشتری درباره آن داده شود. افزون بر آن در این مقوله نیز از مسایل مربوط به مرحله صدور حکم مجازات چیزی بحث نشده است.

^۱ ICCPR, supra note 10, Article 4(2)